

Empathy and Pro-Social Behavior: The Mediating Role of Moral Emotions

Mahdi Torkman Malayeri Razieh Sheikholeslami, PhD

PhD Candidate in
Educational Psychology
Shiraz University

راضیه شیخ‌الاسلامی

دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه شیراز

مهدی ترکمن ملایری

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی در رابطه بین همدلی و رفتار جامعه‌پسند نوجوانان انجام شد. روش این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی با روی آورد مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود. گروه نمونه شامل ۵۰۸ دانش‌آموز (۲۵۷ دختر، ۲۵۱ پسر) بود که با استفاده از روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به مقیاس همدلی اساسی (جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۶)، مقیاس گرایش به گناه و شرم (کوهن، ولف، پانتر و اینسکو، ۲۰۱۱) و اندازه‌های گرایش‌های جامعه‌پسند (کارلو و راندال، ۲۰۰۲) پاسخ دادند. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که همدلی بر رفتار جامعه‌پسند و هیجان‌های گناه و شرم فرزندان، اثر مستقیم و مثبتی دارد. همچنین، هیجان‌های گناه و شرم بر رفتارهای جامعه‌پسند، اثر مستقیم و مثبتی نشان دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش، هیجان‌های گناه و شرم در رابطه بین همدلی و رفتار جامعه‌پسند، نقش واسطه‌ای داشت. در کل، نتایج این پژوهش نشانگر اهمیت هیجان‌های اخلاقی در رفتار جامعه‌پسند بود.

واژه‌های کلیدی: رفتار جامعه‌پسند، شرم، گناه، همدلی

Abstract

The aim of this study was to examine the mediating role of the moral emotions in the relationship between empathy and pro-social behavior. The research method was a descriptive correlational study using structural equation modeling. The sample consisted of 508 senior high school students (257 girls, 251 boys) who were selected from high school in city of Shiraz during the academic year of 2016-2017 by cluster sampling method. The participants completed the Basic Empathy Questionnaire (Jolliffe & Farrington, 2006), the Guilt and Shame Proneness Scale (Cohen, Wolf, Panter & Insko, 2011) and the Pro-social Tendencies Measures (Carlo & Randall, 2002). The results of structural equation modeling indicated that a) empathy had a direct and positive effect on the pro-social behavior and emotions of guilt and shame, b) emotions of guilt and shame had direct and positive effect on pro-social behaviors, and c) emotions of guilt and shame mediated the relationship between empathy and pro-social behavior. The findings suggested the importance of moral emotions in pro-social behavior.

Keywords: pro-social behavior, shame, guilt, empathy

received: 08 July 2018

accepted: 18 February 2019

Contact information: sheslami@shirazu.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۷

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز است.

مقدمه

در دهه‌های اخیر کنش‌های دگرخواهانه^۱ و رفتارهای جامعه‌پسند^۲ افراد، از موضوع‌های مورد توجه صاحب‌نظران علوم اجتماعی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی، مددکاران اجتماعی و متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. ایزنبرگ، فیسی و اسپینارد (۲۰۰۶) رفتارهای جامعه‌پسند یا رفتارهای مثبت اجتماعی را رفتار داوطلبانه‌ای می‌دانند که با هدف سود رساندن به دیگری انجام می‌شود. از نظر کرونین (۲۰۱۲) رفتار جامعه‌پسند به هر عملی اشاره دارد که فرد برای کاهش نیاز یا افزایش رفاه و آرامش دیگری انجام می‌دهد. رفتارهای جامعه‌پسند نشان می‌دهند که افراد چقدر، چگونه و با چه انگیزه‌هایی در شرایط عادی و اضطراری به دیگران کمک می‌کنند. از نظر لامپرایدیس و پاپایستالیانو (۲۰۱۷) رفتارهای جامعه‌پسند بازتاب ماهیت مطلوب انسان هستند. از آنجا که رفتارهای جامعه‌پسند در بهینه‌سازی شرایط اجتماعی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم تحول اخلاقی محسوب می‌شوند (پادیلالوالکر و فرایسر، ۲۰۱۴)، بررسی عوامل مؤثر بر آن‌ها در الویت موضوع‌های پژوهشی قرار دارد. بر اساس پژوهش‌ها، این عوامل یا در بافت اجتماعی نهفته است یا به ویژگی‌های فردی افراد مانند ویژگی‌های سرشتی^۳ و توانایی‌های شناختی-هیجانی مرتبط می‌شود (کلارک، داهلن و نیکلسون، ۲۰۱۵).

از جمله ویژگی‌های فردی که در بروز رفتارهای جامعه‌پسند نقش دارد، همدلی^۴ است. در این رابطه، برخی پژوهشگران همدلی را به‌عنوان فرایندی شناختی-هیجانی در نظر می‌گیرند که مبنایی برای رشد رفتار جامعه‌پسند است (هاستینگز، ماشهن، پارکر و لادها، ۲۰۰۷). همدلی، ظرفیت بنیادی انسانی است و به‌عنوان توانایی تجربه جهان از دیدگاه دیگران و تجربه اشتراکی احساس‌های آن‌ها تعریف شده است (دوویديو و بانفیلد، ۲۰۱۵؛ دیکتی، بارتال، یوزوفسکی و کنافونوآم، ۲۰۱۶). در واقع، همدلی توانایی طبیعی برای ادراک و حساس بودن نسبت به حالت‌های هیجانی دیگران همراه با داشتن انگیزه برای مراقبت از بهزیستی

آن‌ها است (دیکتی و دیگران، ۲۰۱۶). همدلی با رفتار جامعه‌پسند رابطه نزدیکی دارد و از تمامی ویژگی‌های یک انگیزه اخلاقی جامعه‌پسند برخوردار است (هافمن، ۲۰۰۸). این فرایند با حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی، فرد را توانمند کرده و زندگی اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ریف^۵، کتلیبر^۶ و یفرینگ^۷، ۲۰۱۰ نقل از سبزی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴).

روی‌آوردهای نظری پیرامون همدلی را می‌توان در دو طبقه شناختی و عاطفی جای داد (اسمیت، ۲۰۰۶). در همدلی شناختی، همدلی به‌عنوان آگاهی شناختی از حالت‌های درونی شخص دیگر، یعنی افکار، احساس‌ها، ادراک‌ها و نیت‌های او تلقی می‌شود (هافمن، ۲۰۰۸). همدلی شناختی بر نقش‌پذیری^۸ یا پذیرش دیدگاه^۹ در تعامل‌های اجتماعی متکی است (سیگلمن و رایدر، ۲۰۱۸؛ کاف، براون، تایلر و هوات، ۲۰۱۶). در مقابل، همدلی عاطفی گرایش به تمرکز بر مشارکت فرد در پاسخ عاطفی با دیگری است (کاف و دیگران، ۲۰۱۶). هافمن (۲۰۰۰) با این فرض که رفتار جامعه‌پسند شامل کمک کردن به افرادی است که با موقعیت‌های دشوار، مخاطره‌آمیز یا انواع مختلف پریشانی سروکار دارند، به جنبه عاطفی همدلی نیز توجه می‌کند. همدلی در فرایندهایی که رفتار جامعه‌پسند را برمی‌انگیزانند، نقش محوری دارد (دوویديو و بانفیلد، ۲۰۱۵). بسیاری از پژوهشگران معتقدند که از دید نظری و پژوهشی، بین همدلی و دامنه وسیعی از رفتارهای جامعه‌پسند، رابطه مثبت وجود دارد (تورستویت، ساترلینگ و لوگو، ۲۰۱۶؛ دیکتی و دیگران، ۲۰۱۶؛ سزی، گایوراک، گودکاین و لونسون، ۲۰۱۲؛ هافمن، ۲۰۰۸). در واقع، مشاهده، فهم و به اشتراک گذاشتن هیجان‌های دیگران، بازنمایی عاطفی^{۱۰} از هیجان‌ها ایجاد می‌کند که به فهم بهتر وضعیت هیجانی دیگران منجر می‌شود (هوکر، وروسکی، جرمن، نایت و اسپیزوتو، ۲۰۰۸). اگرچه در برخی موارد، وضعیت هیجانی دیگران قابل مشاهده نیست، اما می‌توان آن را استنباط یا تصور کرد که به آن، ذهنی‌سازی عاطفی^{۱۱} می‌گویند. ذهنی‌سازی عاطفی، توانایی پیش‌بینی وضعیت عاطفی دیگران است، یعنی

1. altruistic action
2. prosocial behavior
3. nature
4. empathy

5. Rieffe, C.
6. Ketelear, L.
7. Wiefferink, A.
8. role taking

9. perspective taking
10. affective representation
11. affective mentalizing

موقعیت‌های اخلاقی تجربه می‌شوند. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها بیانگر رابطه بین هیجان‌ها و همدلی هستند (تل و فیستر، ۲۰۱۶؛ گوردون، ۲۰۱۴؛ ویلیامز، دریسکول و موور، ۲۰۱۴). هیجان‌های اخلاقی که لازمه جوامع انسانی هستند، افراد را برمی‌انگیزاند تا به شیوه‌هایی که از نظر اجتماعی خوب است، رفتار کنند و از انجام رفتار نامطلوب بپرهیزند (دی‌هوج، ۲۰۱۳). همچنین به کمک هیجان‌های اخلاقی می‌توان دریافت که چرا افراد از قواعد اخلاقی تبعیت می‌کنند و به استانداردهای اخلاقی وفادار می‌مانند (تانگنی، استیویگ و ماشک، ۲۰۰۷). از مهم‌ترین هیجان‌های اخلاقی مورد توجه در متون علمی، احساس شرم^۴ و گناه^۵ است. این هیجان‌ها هردو منفی هستند و به‌دنبال تخلفات اخلاقی ظاهر می‌شوند (هو^۶ و گروبر^۷، ۲۰۰۸ نقل از محمدی، جوکار و حسین‌چاری، ۱۳۹۳). با توجه به شواهد پژوهشی، احساس گناه بین‌فردی به دو عنصر وابسته است: (۱) آگاهی همدلانه و پاسخ‌دهی به آشفتگی و پریشانی فرد دیگر (۲) آگاهی از علت آن آشفتگی و پریشانی. از این جنبه، همدلی پیش‌نیازی اساسی برای احساس گناه است (کنستام، چرنوف و دیونی، ۲۰۰۱). رابرتز، استرویر و دنهام (۲۰۱۴) با بررسی روابط بین همدلی، احساس گناه، عصبانیت^۸ و رفتار جامعه‌پسند، دریافتند که کودکان دارای همدلی بیشتر، احساس گناه انطباقی^۹ بیشتر و احساس عصبانیت کمتری را تجربه می‌کنند. همچنین، بر اساس نظر تانگنی (۱۹۹۰)، ویژگی برجسته افراد شرمگین، عدم وجود همدلی است که ممکن است به دلیل دردناک بودن تجربه شرم‌آور باشد.

از سوی دیگر، در پژوهش‌ها بر نقش هیجان‌های اخلاقی در رفتارهای جامعه‌پسند تأکید شده است (استلار و دیگران، ۲۰۱۷؛ تورستویت و دیگران، ۲۰۱۶). برای مثال، ویش (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان کارکرد جامعه‌پسندانه هیجان‌های اجتماعی نشان داد که احساس گناه در فرد خاطی منجر به رفتار جبرانی می‌شود. همچنین فرد خاطی با نشان دادن احساس گناه، قربانیان را برمی‌انگیزد تا به او کمک کنند. نتایج پژوهش استلار و دیگران (۲۰۱۷) نیز نشانگر تأثیر هیجان‌های تعالی خود^{۱۰} مانند شفقت^{۱۱}

با استفاده از بازنمایی عاطفی، فرصتی را فراهم می‌کند تا رفتار را در جهت جلوگیری از آسیب به دیگران یا کمک به بهزیستی آن‌ها هدایت کند (هوکر و دیگران، ۲۰۰۸). پژوهش طولی تیلور، ایزنبرگ، اسپینراد، اگوم و سولیک (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که همدلی هم در کوتاه‌مدت و هم در طی زمان، به‌طور مثبت معنادار رفتارهای جامعه‌پسند را پیش‌بینی می‌کند. پژوهش سزی و دیگران (۲۰۱۲) نیز نشان می‌دهد که با افزایش نمره همدلی عاطفی، میزان انجام رفتارهای جامعه‌پسند در افراد بزرگسال افزایش می‌یابد. بنابراین، نقش همدلی در رفتارهای جامعه‌پسند تا حدود زیادی آشکار شده است. اما آنچه مورد سوال است، مکانیزم اثرگذاری همدلی بر رفتار جامعه‌پسند است، یعنی همدلی از چه طریق بر رفتار جامعه‌پسند اثر می‌گذارد؟

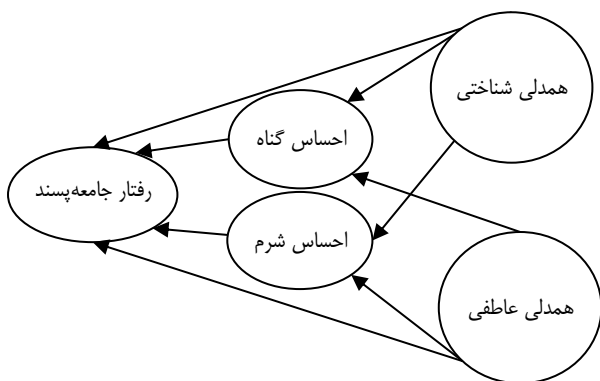
همدلی، یک هیجان نیابتی^۱ است که از مؤلفه‌های شناختی و عاطفی برخوردار است. به این معنا که در همدلی، فرد از دیدگاه دیگری به ارزیابی امور می‌پردازد و همان هیجانی را تجربه می‌کند که دیگری تجربه می‌کند (واندرا و السورث، ۲۰۱۵). تجربه هیجان‌های دیگران می‌تواند با تجربه هیجانی خود فرد (هیجان‌های دست اول^۲) مرتبط باشد، زیرا بر اساس نظریه ارزیابی (فیستینگر^۳، ۱۹۶۰ نقل از واندرا و السورث، ۲۰۱۵)، همه هیجان‌ها، چه هیجان‌های نیابتی و چه هیجان‌های دست اول، ناشی از فرایندهای ارزیابی یکسانی هستند و تنها تفاوت در این است که آیا فرد آنچه در درون خود اتفاق می‌افتد را ارزیابی می‌کند یا آنچه در درون دیگری اتفاق می‌افتد. به اعتقاد واندرا و السورث (۲۰۱۵) هیجان‌های نیابتی زمانی می‌توانند به هیجان‌های دست اول منجر شوند که فرد بتواند بین خود و دیگری تمایز قائل شود، یعنی تشخیص دهد که علت هیجان تجربه‌شده، اتفاقی است که برای دیگری افتاده است، نه برای خود؛ در این صورت فرد می‌تواند هم هیجان‌های نیابتی، مانند همدلی و هم هیجان‌های دست اول را تجربه کند. با توجه به آنچه گفته شد انتظار می‌رود همدلی از طریق هیجان‌های دست اول، رفتار جامعه‌پسند را تحت تأثیر قرار دهد. از جمله هیجان‌های دست اول، هیجان‌هایی هستند که در

1. vicarious emotions
2. firsthand emotions
3. Fistingner, L.
4. Shame

5. guilt
6. Hu, J.
7. Gruber, K. J.
8. anger

9. adjustable guilty feeling
10. self-transcendent
11. compassion

هیجان اخلاقی شرم و گناه، رفتار جامعه‌پسند را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آیا مکانیزم اثرگذاری همدلی از طریق هیجان شرم متفاوت از هیجان گناه است؟



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود که با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. همدلی با دو مؤلفه همدلی شناختی و همدلی عاطفی به‌عنوان متغیر برون‌زا، هیجان‌های اخلاقی شامل احساس گناه و احساس شرم به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و رفتار جامعه‌پسند به‌عنوان متغیر درون‌زا در نظر گرفته شد. در این پژوهش همه متغیرها به‌عنوان متغیر مکنون منظور شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ تشکیل دادند. شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۵۰۸ دانش‌آموز (۲۵۷ دختر، ۲۵۱ پسر) بود که با استفاده از روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور، از هر یک از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز، دو مدرسه به‌صورت تصادفی (یک دخترانه و یک پسرانه) و سپس از هر دبیرستان، سه کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شد و تمامی دانش‌آموزان این کلاس‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۱۶/۱۷ سال بود که در دامنه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار داشتند. گروه نمونه به پرسشنامه‌های زیر پاسخ دادند:

و قدردانی^۱ بر بروز رفتارهای مطلوب اجتماعی است. همچنین، رابرتز و دیگران (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که همدلی به همراه احساس گناه انطباقی، ۵۰ درصد از واریانس رفتار جامعه‌پسند را تبیین می‌کند. تورستویت و دیگران (۲۰۱۶) نیز دریافته‌اند که ویژگی مستعد احساس گناه بودن با رفتارهای جامعه‌پسند همبستگی مثبت دارد و زمانی که این سازه در کنار همدلی قرار می‌گیرد، قدرت پیش‌بینی رفتار جامعه‌پسند افزایش می‌یابد.

احساس گناه و شرم از رفتارهای خطاکارانه‌ای مانند تخلف^۲، تخلفی از استانداردهای درونی^۳ یا خیانت به اعتماد^۴ ناشی می‌شود (تانگنی ۱۹۹۰). اگرچه هر دو این هیجان‌ها از شرایط یکسانی برآمدند، ارزیابی‌های متفاوت از این تخلفات یا قصورها به تجربه هیجانی متفاوت منجر می‌شود. اگر تمرکز و توجه اصلی ارزیابی بر رفتار باشد، احساس گناه غالب می‌شود و اگر تمرکز ارزیابی روی خود فرد به‌عنوان شخصی نالایق باشد، احتمال بروز احساس شرم بیشتر خواهد شد (پاسانیسی، ساینز، بودلو و گیامو، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، احساس گناه در مواردی پدیدار می‌شود که افراد در قبال ارتکاب خطا و تخلفی احساس مسئولیت کنند و برای جبران آن برانگیخته شوند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲)، درحالی‌که احساس شرم به‌علت تمرکز بر سرزنش خود، معطوف به درون است و منجر به کناره‌گیری از دیگران می‌شود (پاسانیسی و دیگران، ۲۰۱۵). بر این اساس، ممکن است احساس شرم و گناه در موقعیت‌های یکسان، منجر به پیامدهای رفتاری متفاوتی شوند. از جمله این پیامدها، رفتارهای جامعه‌پسند است. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه ارتباط ویژگی‌های فردی مانند همدلی و هیجان‌ها با رفتار جامعه‌پسند صورت گرفته است، اما هیچ‌کدام به فرایند و مکانیزم اثرگذاری این متغیرها بر رفتار جامعه‌پسند نپرداخته‌اند و نحوه ارتباط احساس گناه و شرم با رفتار جامعه‌پسند، همچنان مورد سوال است. افزون بر آن، با توجه به پیچیدگی رفتارهای انسان و تأثیر همزمان عوامل متعدد بر رفتار، نیاز است تا رفتار جامعه‌پسند با توجه به عوامل چندگانه مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با بررسی عوامل فردی مؤثر بر رفتارهای جامعه‌پسند و در نظر گرفتن این ضرورت‌ها، در پی پاسخ به این سوال است که آیا همدلی از طریق

مقیاس همدلی اساسی^{۲۰} (جولیف و فارینگتون، ۲۰۰۶). نسخه نهایی مقیاس همدلی دارای ۲۰ ماده و دو زیرمقیاس همدلی عاطفی^{۲۱} و همدلی شناختی^{۲۲} است. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) انجام می‌گیرد. در مطالعات سازندگان بررسی روایی به روش تحلیل عاملی نشان داد که مقیاس دارای دو بعد ذکر شده است که بر روی هم ۵۸/۴ از واریانس کل را تبیین می‌کند و ضریب اعتبار به روش آلفای کرونباخ برای کل ماده‌ها ۰/۸۹ به دست آمد. آلبر، ماتریکاردی، اسپلتری و توزو (۲۰۰۹) با محاسبه همبستگی بین مقیاس همدلی اساسی با مقیاس همدلی هیجانی تعدیل‌یافته^{۲۳} (محرایبان، ۱۹۹۶)، شاخص واکنش‌پذیری بین‌فردی^{۲۴} (دیویس، ۱۹۹۴) و مقیاس رفتار جامعه‌پسند^{۲۵} (کاپرا، کاپانا، استکا و پاچیلو، ۲۰۰۵)، روایی همگرایی این مقیاس را تأیید کردند. در پژوهش آلبر و دیگران (۲۰۰۹) ضریب آلفای کرونباخ به‌صورت کلی ۰/۸۷ و برای زیرمقیاس شناختی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۸۶ به‌دست آمد. در ایران، نوروزی (۱۳۸۹) برای تعیین روایی سازه از روش تحلیل عاملی استفاده و وجود دو عامل را تأیید کرد و به‌منظور محاسبه اعتبار این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی استفاده کرد. ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس همدلی برابر با ۰/۸۴ و برای شناختی و عاطفی، به ترتیب برابر با ۰/۷۸ و ۰/۷۲ به‌دست آمد. برای بررسی اعتبار به روش بازآزمایی روی یک گروه ۳۰ نفری به فاصله دو هفته، ضریب همبستگی به‌دست آمده برای نمره کلی مقیاس همدلی برابر با ۰/۸۰ و برای ابعاد شناختی و عاطفی مقیاس، به ترتیب برابر با ۰/۷۴ و ۰/۷۶ به‌دست آمد (نوروزی، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز برای محاسبه روایی، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. بر این اساس، قابلیت تأییدپذیری ساختار دوعاملی مقیاس همدلی اساسی در دستور کار قرار گرفت. نتایج نشان داد که

پرسشنامه گرایش‌های جامعه‌پسند^۱ (کارلو و راندال، ۲۰۰۲). این ابزار دارای ۲۳ ماده و شش مؤلفه است که عبارتند از: رفتارهای جامعه‌پسند گمنام^۲ (ماده ۵)، رفتارهای جامعه‌پسند جمعی^۳ (ماده ۴)، رفتارهای جامعه‌پسند نوع‌دوستانه^۴ (ماده ۵)، رفتارهای جامعه‌پسند هیجانی^۵ (ماده ۳)، رفتارهای جامعه‌پسند در موقعیت بحرانی یا اضطراری^۶ (۳ ماده) و رفتارهای جامعه‌پسند متابعت‌آمیز^۷ (۳ ماده). نمره‌گذاری این ابزار بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از «اصلاً مرا توصیف نمی‌کند» (۱) تا «کاملاً مرا توصیف می‌کند» (۵) انجام می‌گیرد. کارلو و راندال (۲۰۰۲) با استفاده از ابزارهایی مانند رفتار جامعه‌پسند جهانی^۸ (راشتون^۹، کریسجان^{۱۰} و فکن^{۱۱}، ۱۹۸۱) نقل از کجباغ و دیگران، (۱۳۸۹)، اندازه چندبعدی همدلی^{۱۲} (دیویس^{۱۳}، ۱۹۸۳) نقل از کجباغ و دیگران، (۱۳۸۹)، مقیاس مطلوبیت اجتماعی^{۱۴} (کران^{۱۵} و مارلو^{۱۶}، ۱۹۶۴) نقل از کجباغ و دیگران، (۱۳۸۹) و انگیزش مسئولیت اجتماعی^{۱۷} (برکویچ^{۱۸} و لوترمن^{۱۹}، ۱۹۶۸) نقل از کجباغ و دیگران، (۱۳۸۹) روایی همگرایی آزمون گرایش‌های جامعه‌پسند را تأیید و کارلو، هاسمن، کریستینسن و راندال (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های این ابزار را در دامنه بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۵ گزارش کردند. کجباغ، سجادیان و نوری (۱۳۸۹) نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی، ساختار پنج‌عاملی این ابزار را مورد تأیید قرار دادند. در پژوهش کجباغ و دیگران (۱۳۸۹) ضریب اعتبار بازآزمایی کل ابزار برابر با ۰/۸۶ به‌دست آمد. در این پژوهش نیز به‌منظور تعیین روایی ابزار از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و ساختار شش‌عاملی آن مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس نتایج، ماده‌های ۱، ۱۶ و ۲۰ این ابزار به‌دلیل بار عاملی پایین‌تر از ۰/۳۰ از این ساختار حذف شد. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ آن برای ابعاد رفتارهای جامعه‌پسند گمنام، جمعی، نوع‌دوستانه، هیجانی و متابعت‌آمیز به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۵، ۰/۶۶، ۰/۷۲ و ۰/۷۱ و ۰/۷۸ و برای کل ابزار برابر با ۰/۷۶ بود.

- | | | |
|--|---|---|
| 1. Prosocial Tendencies Measures (PTM) | 9. Rushton, J. P. | 18. Berkowitz, L. |
| 2. anonymous prosocial behavior | 10. Chrisjohn, R. D. | 19. Lutterman, K. G. |
| 3. collective prosocial behavior | 11. Fekken, G. C. | 20. Basic Empathy Scale |
| 4. altruistic prosocial behavior | 12. Multidimensional Measure of Empathy | 21. emotional empathy |
| 5. emotion prosocial behavior | 13. Davis, M. H. | 22. cognitive empathy |
| 6. emergency or emergency Situation prosocial behavior | 14. Social Desirability | 23. Balanced Emotional Empathy Scale (BEES) |
| 7. compliant prosocial behavior | 15. Crowne, D. P. | 24. Interpersonal Reactivity Index (IRI) |
| 8. global prosocial behavior | 16. Marlowe, D. | 25. Prosocial Behavior Scale (PBS) |
| | 17. social responsibility | |

عامل حمایت نکردند اما در سایر موارد، بار عاملی ماده‌ها بین ۰/۳۴ تا ۰/۶۸ در نوسان بود. بنابراین، نتایج به‌دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی بر تأیید این مدل دلالت دارد. برای تعیین اعتبار این مقیاس نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای احساس گناه برابر با ۰/۷۴ و برای احساس شرم برابر با ۰/۷۱ به‌دست آمد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است. افزون بر آن، پیش از آزمون مدل پژوهش، ابتدا به‌منظور بررسی چگونگی رابطه متغیرهای پژوهش و اعتبار بخشیدن به تحلیل‌های بعدی، همبستگی آن‌ها محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است. نتایج نشان داد که احساس گناه به‌استثنای رفتارهای جامعه‌پسند جمعی، با سایر رفتارهای جامعه‌پسند رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین نتایج نشان داد که احساس شرم با رفتارهای جامعه‌پسند نوع‌دوستانه رابطه ندارد، اما با سایر رفتارهای جامعه‌پسند رابطه مثبت معناداری را نشان می‌دهد. در نهایت، نتایج تحلیل همبستگی دو متغیر نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، میان انواع رفتارهای جامعه‌پسند همبستگی مثبت معنادار برقرار است. با این حال، برخی نتایج در مورد رفتارهای جامعه‌پسند جمعی بر عدم رابطه این نوع رفتار جامعه‌پسند با سایر ابعاد دلالت دارد.

به‌استثنای یک ماده (ماده ۴)، تمامی ماده‌های این مقیاس به‌خوبی بر عامل مربوطه بار می‌شوند و همبستگی برابر با ۰/۴۵ بین دو عامل مکنون برقرار است. بر اساس نتایج، دامنه بار عاملی برای ماده‌های این مقیاس بین ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ در نوسان است. به‌منظور بررسی اعتبار مقیاس همدلی اساسی، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر به‌دست آمده از این ضریب برای بعد همدلی شناختی و همدلی عاطفی به ترتیب برابر با ۰/۷۴ و ۰/۷۰ به‌دست آمد.

مقیاس گرایش به گناه و شرم (کوهن، ولف، پاتر و اینسکو، ۲۰۱۱). این مقیاس دارای ۱۶ سناریو است که به هر کدام از احساس‌های گناه و شرم، ۸ سناریو تعلق می‌گیرد. هر سناریو موقعیتی را به تصویر می‌کشد و از آزمودنی خواسته می‌شود واکنش خود را در آن موقعیت بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای مشخص کند. کوهن و دیگران (۲۰۱۱) اعتبار این مقیاس را بررسی و دامنه ضریب آلفا برای زیرمقیاس‌های این ابزار را ۰/۶۱ تا ۰/۷۱ به‌دست آوردند. کمالی (۱۳۹۲) با استفاده از روش تحلیل عاملی، وجود دو عامل با ۸ و ۴ ماده را مورد تأیید قرار داد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ را برای گناه و شرم به ترتیب برابر با ۰/۸۳ و ۰/۵۱ گزارش کرد.

در این پژوهش نیز برای تعیین روایی مقیاس گرایش به گناه و شرم، از مدل دوعاملی با آزمون آماری تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. دامنه بار عاملی ماده‌ها برای عامل احساس گناه بین ۰/۳۳ تا ۰/۷۳ بود. در عامل احساس شرم نیز ماده‌های ۴، ۷ و ۸ از این

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای پژوهش

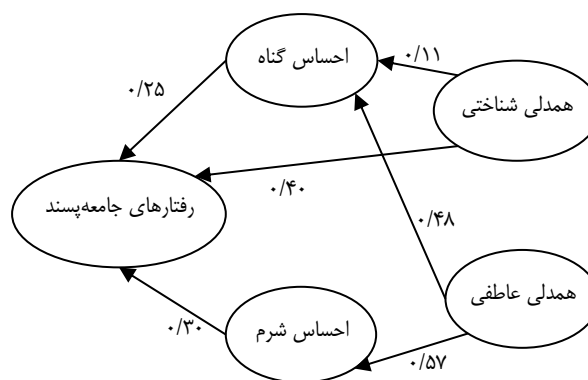
متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. همدلی شناختی	۳۶/۶۸	۴/۷۷	-								
۲. همدلی عاطفی	۳۰/۶۴	۴/۹۴	۰/۴۲**	-							
۳. احساس گناه	۳۲/۰۲	۵/۱۲	۰/۲۸**	۰/۲۹**	-						
۴. احساس شرم	۲۵/۸۵	۳/۹۸	۰/۱۳**	۰/۲۵**	۰/۳۹**	-					
۵. رفتار جامعه‌پسند گمنام	۱۸/۶۶	۳/۶۶	۰/۲۴**	۰/۱۰*	۰/۳۰**	۰/۲۱**	-				
۶. رفتار جامعه‌پسند جمعی	۹/۲۱	۲/۳۱	-۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۱۱*	-۰/۱۳**	-			
۷. رفتار جامعه‌پسند نوع‌دوستانه	۱۷/۸۹	۳/۰۲	۰/۳۱**	۰/۲۱**	۰/۳۶**	۰/۰۷	۰/۳۹**	-۰/۰۸	-		
۸. رفتار جامعه‌پسند هیجانی	۱۰/۷۸	۱/۸۸	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۱۶**	۰/۲۳**	۰/۲۶**	۰/۱۸**	-	
۹. رفتار جامعه‌پسند بحرانی	۱۱/۶۹	۱/۷۹	۰/۳۶**	۰/۱۷**	۰/۲۷**	۰/۱۸**	۰/۴۷**	۰/۱۰*	۰/۳۴**	۰/۳۵**	-
۱۰. رفتار جامعه‌پسند متابعت‌آمیز	۱۲/۴۴	۱/۹۱	۰/۳۲**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	۰/۱۲**	۰/۴۱**	۰/۰۶	۰/۴۴**	۰/۴۰**	۰/۴۶**

*P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱

به منظور آزمون مدل پیشنهادی پژوهش، مفروضه‌های زیربنایی با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد. پس از غربالگری داده‌های اولیه (شامل بررسی داده‌های از دست رفته و بررسی داده‌های پرت)، مفروضه اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری یعنی نرمال بودن تک‌متغیری و چندمتغیری داده‌ها بررسی شد که نتایج بیانگر شرایط مناسب داده‌های گردآوری شده بود. در شکل ۲ نتایج مربوط به آزمون مدل پژوهش نشان داده شده است.

در مقابل، $(\beta=0/40)$ در مقابل، همدلی عاطفی اثر مستقیم معناداری بر رفتار جامعه‌پسند نشان نداد. سایر نتایج مندرج در شکل ۲ نیز بیانگر آن است که دو هیجان شرم و گناه اثر مستقیم معنادار بر رفتارهای جامعه‌پسند است. بدین صورت که هم احساس گناه $(\beta=0/25, P=0/0001)$ و هم احساس شرم $(\beta=0/30, P=0/0001)$ به صورت مثبت معناداری رفتارهای جامعه‌پسند نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. افزون بر آن، همدلی شناختی با واسطه احساس گناه، اثر غیرمستقیم بر رفتار جامعه‌پسند داشت. به منظور بررسی معناداری اثر واسطه‌ای متغیرها از آزمون بوت‌استرپ^۱ استفاده شد. نتایج این آزمون بیانگر اثر واسطه‌ای معنادار احساس گناه در رابطه بین همدلی شناختی و رفتار جامعه‌پسند است $(\beta=0/03, P<0/05)$. همچنین، احساس گناه $(\beta=0/06, P<0/003)$ و احساس شرم $(\beta=0/093, P<0/003)$ نقش واسطه‌ای معنادار در رابطه بین همدلی عاطفی و رفتار جامعه‌پسندانه نشان دادند. همدلی با افزایش گرایش نوجوانان به احساس گناه و شرم منجر به افزایش رفتارهای جامعه‌پسندانه در آن‌ها می‌شود. نتایج مربوط به بررسی اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم و اثرات کلی مدل پژوهش در جدول ۲ آمده است.

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، همدلی شناختی بر رفتار جامعه‌پسند، اثر مستقیم و معنادار دارد $(P=0/0001)$.



شکل ۲. مدل تجربی روابط بین متغیرها

جدول ۲ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل همدلی اساسی بر رفتارهای جامعه‌پسند با واسطه‌گری احساس گناه و شرم

اثرات کل		اثرات غیرمستقیم			اثرات مستقیم		متغیرها			
β	P	حد بالا	حد پایین	خطا	B	P	β	درون‌زا	واسطه‌ای	برون‌زا
0/43	0/05	0/06	-0/11	0/21	0/03	0/001	0/40	رفتارهای جامعه‌پسند	احساس گناه	همدلی شناختی
0/01	0/01	0/12	0/02	0/03	0/06	0/60	-0/05	رفتارهای جامعه‌پسند	احساس گناه	احساس گناه
0/43	0/003	0/173	0/044	0/37	0/093	0/60	-0/05	رفتارهای جامعه‌پسند	احساس شرم	همدلی عاطفی

جدول ۳

شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش

شاخص‌ها	P-Close	RMSEA	AGFI	GFI	IFI	CFI	χ^2/df
مقادیر	0/09	0/06	0/91	0/90	0/92	0/93	2/51

در ادامه به منظور بررسی میزان برازش مدل پژوهش، شاخص‌های برازش محاسبه شد. همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج بیانگر برازش قابل قبول مدل نهایی این پژوهش است.

رفتار بر اساس استانداردها و معیارهای اخلاقی است، بنابراین رفتار جبرانی را برمی‌انگیزد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲) و افراد را به داوطلب شدن برای کمک کردن و منفعت رساندن به دیگران به‌منظور جبران خطای خود، سوق می‌دهد (دی‌هوج، ۲۰۱۳). همچنین، احساس گناه ماهیتی انگیزشی دارد و از این طریق منجر به افزایش رفتارهای مطلوب اجتماعی می‌شود.

همان‌گونه که بیان شد، در این پژوهش، احساس شرم نیز رفتار جامعه‌پسند را افزایش می‌دهد. احساس شرم هیجان منفی منفعل‌کننده محسوب می‌شود، به این معنا که چون متمرکز بر سرزنش خود است، منجر به رفتارهای اجتنابی می‌شود (پاسانیسی و دیگران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین انتظار می‌رفت که این هیجان، رفتار جامعه‌پسند را کاهش دهد، اما در این پژوهش احساس شرم، رفتار جامعه‌پسند را افزایش می‌دهد. در مورد این یافته می‌توان گفت، اگرچه احساس شرم همچون احساس گناه، رفتار جامعه‌پسند را افزایش داده است اما احتمالاً مکانیزم اثرگذاری آن بر اینگونه رفتارها متفاوت از احساس گناه است. در واقع احساس گناه از طریق برانگیختگی انجام رفتارهای مطلوب و احساس شرم از طریق بازداری از انجام رفتارهای غیرمطلوب، پیامدهای یکسانی را ایجاد می‌کنند. افزون بر آن، تمایل به اجتناب از احساس شرم، یک نیروی انگیزشی مهم در انجام رفتارهای مطلوب تلقی می‌شود؛ یعنی افراد رفتارهای مطلوب اجتماعی را انجام می‌دهند تا دچار احساس شرم نشوند (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸). از دید دیگری نیز می‌توان اثر مثبت احساس شرم بر رفتار جامعه‌پسند را توجیه کرد. به اعتقاد دی‌هوج (۲۰۱۳) احساس شرم در صورتی منجر به کناره‌گیری یا رفتارهای اجتنابی می‌شود که خود مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته، قابل ترمیم نباشد. اما چنانچه خود، قابل ترمیم باشد، تجربه هیجان شرم می‌تواند باعث رفتارهای جامعه‌پسند شود.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که همدلی شناختی افزون بر اثر غیرمستقیم بر رفتار جامعه‌پسند، این رفتار را به‌طور مستقیم نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، درحالی‌که همدلی عاطفی اثر مستقیمی بر رفتار جامعه‌پسند نشان نداد. اثر مستقیم همدلی شناختی بر رفتار جامعه‌پسند، با نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی

نتایج پژوهش نشان داد که همدلی عاطفی، احساس شرم و همدلی شناختی از طریق افزایش احساس گناه، رفتار جامعه‌پسند نوجوانان را افزایش می‌دهند. رابطه بین همدلی و هیجان در پژوهش‌های بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است (برای مثال، تل و فیستر، ۲۰۱۶؛ رابرتز و دیگران، ۲۰۱۴؛ گوردون، ۲۰۱۴؛ ویلیامز و دیگران، ۲۰۱۴). بر اساس دیدگاه هافمن (۲۰۰۰) همدلی عامل مهمی در تجربه کردن احساس گناه است. با توجه به آنکه همدلی مبتنی بر پذیرش دیدگاه یعنی فهم نظرها، احساس‌ها و هیجان‌های دیگران است، بنابراین چنانچه فرد وضعیت نامساعد دیگران را ناشی از خطای رفتاری خود بداند، احساس گناه می‌کند. در واقع، فردی که آگاهی همدلانه، یعنی شناخت نسبت به علت آشفتگی و پریشانی دیگران (همدلی شناختی) ندارد، از خطای رفتاری خود نیز آگاه نمی‌شود و احساس گناه را تجربه نمی‌کند. همچنین با توجه به آنکه همدلی عاطفی دربرگیرنده احساس مشترک با دیگری است و فرد در همان احساسی درگیر می‌شود که دیگری تجربه می‌کند، زمانی که این احساس‌های همدلانه منفی باشد، احتمال تردید در رفتار خود یا سرزنش خود در فرد همدل، افزایش می‌یابد و هیجان گناه و شرم بیشتری را تجربه می‌کند. این دو هیجان نیز به‌نوبه خود منجر به افزایش رفتارهای جامعه‌پسند می‌شوند. این یافته با شواهد پژوهشی در خصوص رابطه بین هیجان و رفتار جامعه‌پسند همسو است (استلار و دیگران، ۲۰۱۷؛ تورستویت و دیگران، ۲۰۱۶؛ سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸؛ ویش، ۲۰۱۸).

نظریه‌های مختلفی به ارتباط بین هیجان و رفتارهای مطلوب اجتماعی پرداخته‌اند. بر اساس نظریه فروید، هیجان‌های منفی در شکل‌گیری وجدان اخلاقی نقش اساسی دارند. کودکان برای کاهش هیجان‌های منفی مانند احساس گناه، رفتارهای مطلوب اجتماعی انجام می‌دهند (سیگلن و رایدر، ۲۰۱۸). هافمن (۲۰۰۰) هیجان را به‌عنوان یک مؤلفه اساسی در رفتارهای جامعه‌پسند، معرفی می‌کند. احساس گناه نیز یک هیجان اخلاقی انطباقی است که پیامدهای مثبتی را به‌دنبال دارد (دی‌هوج، ۲۰۱۳). از آنجا که احساس گناه، ناشی از ارزیابی

دلالت دارد. بر این اساس انتظار می‌رود متخصصان تعلیم و تربیت، برنامه‌های آموزشی و تربیتی را به گونه‌ای طراحی کنند که توانایی پذیرش دیدگاه - که شاخصی از شناخت اجتماعی است - در دانش‌آموزان افزایش یابد. به نظر می‌رسد بیشتر برنامه‌های نظام آموزشی در ایران، مبتنی بر افزایش توانایی‌های شناختی صرف است، درحالی‌که توانایی‌های شناختی اجتماعی به منظور ایجاد هیجان‌های اخلاقی سازنده، نیازمند برنامه‌ریزی و فراهم کردن بستری مناسب برای گسترش رفتارهای مطلوب اجتماعی است. در این پژوهش از ابزار خودگزارش‌دهی برای سنجش رفتار جامعه‌پسند استفاده شد، از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های دیگری همچون مصاحبه و مشاهده برای سنجش رفتار جامعه‌پسند، استفاده شود.

افزون بر آن، روش این پژوهش از نوع همبستگی بود، بنابراین استنباط علی از نتایج آن باید با احتیاط صورت گیرد. محدود بودن جامعه این پژوهش به دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم نیز از محدودیت‌های این پژوهش بود و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این مدل در سایر مقاطع تحصیلی نیز بررسی شود.

منابع

سبزی، ن. و شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای نمودارهای عاطفی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۲ (۴۶)، ۱۵۳-۱۴۱.

کجباف، م. ب.، سجادیان، ا. و نوری، ا. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱ (۳۸)، ۱۱۸-۱۰۱.

کمالی، ف. (۱۳۹۲). *رابطه معنویت و احساسات شرم و گناه: نقش واسطه‌ای راهبردهای تنظیم شناختی هیجان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.

محمدی، ز. جوکار، ب. و حسین‌چاری، م. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رفتارهای خودشکن توسط جهت‌گیری هدف: نقش واسطه‌گری احساسات شرم و گناه. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۴۱ (۱۱)، ۱۰۲-۸۳.

نوروزی، ز. (۱۳۸۹). *بررسی نقش خودتنظیمی و همدلی در پرخاشگری و ارتباط با همسالان در گروهی از دانش‌آموزان شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.

بر نقش برجسته همدلی در انجام رفتارهای مطلوب اجتماعی و پرهیز از رفتارهای ضد اجتماعی، همسوست (برای مثال تورستویت و دیگران، ۲۰۱۶؛ دوویدو و بانفیلد، ۲۰۱۵؛ دیکتی و دیگران، ۲۰۱۶؛ سزی و دیگران، ۲۰۱۲). در تفسیر رابطه بین همدلی و رفتار جامعه‌پسند می‌توان گفت که همدلی، رفتارهای اخلاقی را فعال و افراد را برای ورود به موقعیت‌های اجتماعی برانگیخته می‌کند. در واقع، همدلی در فرایندهای برانگیزاننده رفتار جامعه‌پسند، نقش محوری دارد (دوویدو و بانفیلد، ۲۰۱۵). به همین دلیل، بر اساس مبانی نظری، بین همدلی شناختی و اعمال جامعه‌پسند، رابطه مثبت وجود دارد، زیرا همدلی شناختی به فهم یا پیش‌بینی آنچه دیگران ممکن است فکر یا احساس کنند یا انجام دهند، اشاره دارد؛ بنابراین افراد را نسبت به نیازهای دیگران و عوامل موقعیتی که ممکن است این نیازها را ایجاد کنند، حساس می‌کند. در واقع، همدلی شناختی مبتنی بر مهارت پذیرش دیدگاه است. همان‌گونه که پیشتر بیان شد، پذیرش دیدگاه عبارت است از توانایی در نظر گرفتن دیدگاه دیگران و فهم افکار و احساس‌های آن‌ها (سیگل‌من و رایدر، ۲۰۱۸). این مهارت نقش اساسی در تفکر راجع به مباحث اخلاقی از دیدگاه متفاوت دارد و پیش‌بینی‌کننده رفتار افراد نسبت به دیگران و همدلی با آن‌هاست. بر این اساس، ارتباط بین همدلی شناختی و رفتار جامعه‌پسند قابل توجیه است. اما در مورد عدم پیش‌بینی مستقیم رفتار جامعه‌پسند به وسیله همدلی عاطفی می‌توان گفت، زمانی که فرد قادر به تمایز بین خود و دیگری است، اشتراک‌های هیجانی با دیگری (همدلی عاطفی) منجر به هیجان دست اول می‌شوند و از این طریق رفتار جامعه‌پسند را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه همدلی عاطفی متمرکز بر احساس است و منجر به پاسخ‌های عاطفی دست اول می‌شود، بنابراین از طریق ایجاد هیجان‌های اخلاقی، رفتار جامعه‌پسند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشانگر نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی در رابطه بین همدلی و رفتارهای جامعه‌پسند است. همان‌طور که مشاهده شد، همدلی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، رفتار جامعه‌پسند را افزایش می‌دهد. این یافته بر اهمیت نگرش همدلانه در انجام رفتارهای مطلوب اجتماعی

- Dovidio, J. F., & Banfield, J. C. (2015). Prosocial behavior and empathy. In J. D. Wright (Ed.), *International encyclopedia of the social and behavioral sciences* (pp. 216-220). Oxford, England: Elsevier.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., & Spinrad, T. L. (2006). Prosocial development. In: Eisenberg, N., Damon, W., Lerner, R.M. (Eds.), *Handbook of Child Psychology, Social, Emotional, and Personality Development*, vol. 3. Hoboken, NJ, US: John Wiley & Sons Inc.
- Gordon, H. (2014). *Investigating the relation between empathy and prosocially behavior: An emotion regulation framework*. Thesis of Master of Science. The faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University
- Hastings, P. D., McShane, K. E., Parker, R., & Ladha, F. (2007). Ready to make nice: Parental socialization of young sons' and daughters' prosocial behaviors with peers. *Journal of Genetic Psychology, 168*(2), 177-200.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and moral development-implications for caring and justice*. New York: Cambridge University Press.
- Hoffman, M. L. (2008). Empathy and prosocial behavior. In M. Lewis, J. M. Haviland-Jones, & L. F. Barrett (Eds.), *Handbook of emotions* (pp. 440-455). New York, NY: The Guilford Press.
- Hooker, C. I., Verosky, S. C., Germine, L. T., Night, R. T., & D'Esposito, M. (2008). Mentalizing about emotion and its relationship to empathy. *Social Cognitive and Affective Neuroscience, 3*, 204-217.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Development and validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence, 29*(4), 589-611.
- Konstam, V., Chernoff, M., & Deveney, S. (2001). Toward forgiveness: The role of shame, guilt, anger and empathy. *Counseling and Values, 46*, 26-39.
- Lampridis, E., & Papastylianou, D. (2017). Prosocial behavioral tendencies and orientations towards individualism-collectivism. *International Journal of Adolescence and Youth, 22*(3), 268-272.
- Padilla-Walker, L. M., & Fraser, A. M. (2014). How The assessment of empathy in adolescence: A contribution to the Italian validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence, 32*, 393-408.
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen, S., & Randall, B. A. (2003). Socio cognitive and behavioral correlates of a measure of prosocial tendencies for adolescents. *The Journal of Early Adolescence, 23*, 107-134.
- Carlo, G., & Randall, B. A. (2002). The development of a measure of prosocial behaviors for late adolescents. *Journal of Youth and Adolescence, 31*, 31-44.
- Caprara, G. V., Capanna, C., Steca, P., & Paciello, M. (2005). Measurement and personal determining of prosocial behavior: A social cognitive approach. *Giornale Italiano di Psicologia, 2*, 287-307.
- Clark, C. M., Dahlen, E. R., & Nicholson, B. C. (2015). The role of parenting in relational aggression and prosocial behavior among emerging adults. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma, 24*(2), 185-202.
- Cohen, T. R., Wolf, S. T., Panter, A. T., & Insko, C. A. (2011). Introducing the GASP Scale: A new measure of guilt and shame proneness. *Journal of Personality and Social Psychology, 100*, 947-966.
- Cronin, K. A. (2012). Prosocial behavior in animals: the influence of social relationships, communication and rewards. *Animal Behavior, 84*, 1085-1093.
- Cuff, B. M. P., Brown, S. J., Taylor, L., & Howat, D. J. (2016). Empathy: A review of concept. *Emotion Review, 8*, 144-153.
- Davis, M. H. (1994). *Empathy: A social psychological approach*. Madison, WI: Brown and Benchmark.
- De Hooge, I. E. (2013). Moral emotions and prosocial behavior: It may be time to change our view of shame and guilt. In C. Mohiyeddini, M. Eysenck, & S. Bauer (Eds.), *Psychology of Emotions*. (pp. 255-276). New York: Nova Science Publishers.
- Decety, J., Bartal, I.B.-A., Uzefovsky, F., & Knaf-Noam A. (2016). Empathy as a driver of prosocial behaviour: Highly conserved neurobehavioral mechanisms across species. *Philosophical Transactions of the Royal Society, 371*(5), 2015-2077.

- Tangney, J. P., & Dearing, R. I. (2002). Across time and beyond skin: Self and transgression in the everyday socialization of shame among Taiwanese preschool children. *Social Development, 10*, 420-437.
- Tangney, J. P., Stuewig, J., & Mashek, D. J. (2007). Moral emotions and moral behavior. *Annual Review of Psychology, 58*, 345-372.
- Telle, N. T., & Pfister, H. R. (2016). Positive empathy and prosocial behavior: A neglected link. *Emotion Review, 8*, 154-163.
- Torstveit, L., Sutterlin, S., & Lugo, R. G. (2016). Empathy, guilt proneness, and gender: Relative contributions to prosocial behaviour. *Europe's Journal of Psychology, 12*(2), 260-270.
- Taylor, Z. E., Eisenberg, N., Spinrad, T. L., Eggum, N. D., & Sulik, M. J. (2013). The relations of ego-resiliency and emotion socialization to the development of empathy and prosocial behavior across early childhood. *Emotion, 13*(5), 822-831.
- Vaish, A. (2018). The prosocial functions of early social emotions: the case of guilt. This review comes from a themed issue on early development of prosocial behavior. *Current Opinion in Psychology, 20*, 25-29.
- Williams, A., O'Driscoll, K., & Moore, C. (2014). The influence of empathic concern on prosocial behavior in children. *Frontiers in Psychology*, Retrieved 12 May 2014 from: <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2014.00425>.
- Wondra, J. D., & Ellsworth, P. (2015). An appraisal theory of empathy and other vicarious emotional experiences. *Psychological Review, 122*, 411-428.
- much is it going to cost me? Bidirectional relations between adolescents' moral personality and prosocial behavior. *Journal of Adolescence, 37*(5), 993-1001.
- Passanisi, A., Sapienza, I., Budello, S., & Giaimo, F. (2015). The relationship between guilt, shame and self-efficacy Beliefs in middle school students. *Social and Behavioral Sciences, 197*, 1013-1017.
- Roberts, W., Strayer, J., & Denham, S. (2014). Empathy, anger, guilt: Emotions and prosocial behaviour. *Canadian Journal of Behavioral Science/Revue Canadienne des Sciences du Comportement, 46*(4), 465-47.
- Sigelman, C. K., & Rider, E. A. (2018). *Life-span human development*. USA: Cengage Learning.
- Smith, A. (2006). Cognitive empathy and emotional empathy in human behavior and evolution. *The Psychological Record, 56*, 3-21.
- Stellar, J. E., Gordon, M., Piff, P. K., Cordero, D., Anderson, C. L., Bai, Y., Maruskin, L. A., & Keltner, D. (2017). Self-transcendent emotions and their social functions: Compassion, gratitude, and awe bind us to others through Prosocial. *Emotion Review, 13*(2), 1-8.
- Sze, J. A., Gyurak, A., Goodkind, M. S., & Levenson, R. W. (2012). Greater emotional empathy and prosocial behavior in late life. *Emotion, 12*(5), 1129-1140.
- Tangney, J. P. (1990). Assessing individual differences in proneness to shame and guilt: Development of the Self-Conscious Affect and Attribution Inventory. *Personality and Social Psychology, 59* (2), 102-111.

